

بررسی کارایی دو سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی و جهانی در ارتباط با طبقه‌بندی خاک‌های شور استان کرمان

عیسی اسفندیارپور بروجنی^{۱*} - محمدهادی فرپور^۲ - اردوان کمالی^۳

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۸

چکیده

طبقه‌بندی خاک، ابزار ساده‌ای است که به منظور سامان‌دهی دانش بشر و انتقال تجربه و فناوری کسب‌شده از سیمای سرزمین، از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر کاربرد دارد. این پژوهش، کارایی دو سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی و طبقه‌بندی جهانی را در ارتباط با خاک‌های شور موجود در نقاط مختلف استان کرمان بحث می‌کند. پس از تفکیک واحدهای اقلیمی خاک موجود در سراسر این استان، بسته به مساحت هر واحد، تعدادی خاک‌رخ در هر کدام حفر و تشریح گردید. در نهایت، تعداد ۱۲ خاک‌رخ شور برای این مطالعه انتخاب شد. نتایج نشان داد که به کارگیری سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی برای گروه‌بندی خاک‌های شور موجود در مناطق خشک، به دلیل استفاده از توصیف‌کننده‌های مختلف و انعطاف‌پذیری بالاتر در انعکاس خصوصیات مؤثر در نام‌گذاری خاک‌ها، بهتر می‌تواند واقعیات صحرا را در هر دو بُعد افقی و عمودی خاک به نمایش گذارد. به علاوه، اضافه نمودن زیرگروه‌های جدید «کلسیک ناتری سالیڈز» و «کلسیک پتروسالیڈز» به سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی از یک سو، و افزودن پیشوندهایی نظیر «پتروژئوسپیک»، «هایپرژئوسپیک»، «اپی سالیک»، «اندوسالیک» و «اکویک» در مجموعه‌ی توصیف‌کننده‌های پیشوندی گروه مرجع سولونچاک سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی از سوی دیگر، می‌تواند در هم‌بستگی بالاتر بین اسامی خاک در سطح زیرگروه سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی با واحدهای خاک تعریف‌شده در سطح دوم سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی مؤثرتر باشد.

واژه‌های کلیدی: استان کرمان، خاک‌های شور، سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی خاک، سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی خاک، همبستگی خاک

مقدمه

طبقه‌بندی خاک، فرایند گروه‌بندی خاک‌فردها^۱ به کلاس‌های کم و بیش یکنواخت و با توجه به یک‌سری اهداف مشخص می‌باشد (۱۵) که به موجب آن، تفاوت‌های اساسی موجود در ویژگی‌ها و کارکردهای خاک بین کلاس‌ها آشکار می‌شود. سامانه‌های طبقه‌بندی مختلفی از دهه‌ی ۱۹۳۰ برای گروه‌بندی خاک‌ها پیشنهاد شده‌اند و کشورهای مختلف، سامانه‌هایی را پذیرفته‌اند که با خاک‌ها و روش‌های مطالعه‌ی آنها، هماهنگی و هم‌خوانی بیش‌تری داشته‌اند (۱۹). در این بین، دو سامانه‌ی رده‌بندی خاک آمریکایی^۲ و طبقه‌بندی جهانی^۳، از استقبال عمومی بالاتری در بین کشورهای مختلف، از جمله ایران، برخوردار می‌باشند.

هرچند در هر دو سامانه‌ی مزبور، از معیارهای متکی به ذات خاک (خصوصیات ژنتیکی و ریختی خاک)، برای نام‌گذاری و ساختاربندی

خاک‌ها، پهنه‌های طبیعی چهاربُعدی هستند (۳۲) که با تشکیل یک لایه‌ی پیوسته بر روی سیمای اراضی^۴، در زمان و مکان تغییرپذیر می‌باشند. به دلیل وجود همبستگی قوی بین خاک‌ها و واحدهای سیمای اراضی (۲۲) و فهم روابط بین فاکتورهای تشکیل-دهنده‌ی خاک، گروه‌بندی این پهنه‌های طبیعی به یک‌سری کلاس-های با رفتار و ویژگی‌های مشابه می‌تواند در رابطه با مدیریت و استفاده از آنها مفید و مؤثر واقع شود (۱۴). در نتیجه، طبقه‌بندی خاک^۵، فعالیتی معنادار جلوه می‌نماید.

۳-۱- استادیاران گروه خاک‌شناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان

*- نویسنده مسئول: (Email: iesfandiarpour@yahoo.com)

۲- دانشیار گروه خاک‌شناسی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

4- Landscape
5- Soil classification

6- Soil individuals
7- Soil Taxonomy
8- World Reference Base; WRB

مزبور (شش سطح سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، در مقابل دو سطح سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی)، عدم تساوی تعداد گروه‌های خاک در بالاترین سطح از سلسله‌مراتب این سامانه‌ها (۱۲ رده‌ی خاک سامانه-ی رده‌بندی آمریکایی، در مقابل ۳۲ گروه مرجع خاک سامانه‌ی طبقه-بندی جهانی)، وسیع و گسترده بودن اغلب تعریف‌های ارائه‌شده برای افق‌های مشخصه‌ی مشابه موجود در دو سامانه‌ی مذکور و عدم استفاده از معیارهای اقلیمی در سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی را توجیهی بر اندک بودن این همبستگی می‌دانند.

تومانیان و همکاران (۳۶) با کاربرد دو سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی و طبقه‌بندی جهانی برای کلاس‌بندی خاک‌های گچی شمال‌غربی اصفهان بیان نمودند که هرچند سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی تلاش می‌کند تا کاستی‌های موجود در سطوح بالاتر خود را در سطح فامیل برطرف کند؛ اما هنوز قادر به رقابت با سامانه‌ی طبقه-بندی جهانی برای کلاس‌بندی خاک‌های گچی نمی‌باشد. نورایی (۱۲) اعتقاد دارد که سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، نتایج قابل قبول‌تری را نسبت به سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، در رابطه با کلاس‌بندی خاک‌های منطقه‌ی خشک دشت لوت در دسترس قرار می‌دهد. حسینی‌فرد (۳) نیز به نتیجه‌ی مشابهی برای خاک‌های منطقه‌ی انار-استان کرمان - دست یافته است.

نظر به این که شوری خاک، یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های انواع کاربری‌های اراضی استان کرمان محسوب می‌شود و سطح وسیعی از این استان را پوشش می‌دهد؛ توجه به این مشکل و بررسی آن در سامانه‌های طبقه‌بندی مختلف به دلیل تفاوت بینش آن‌ها در تعریف افق سالیک (برای نمونه، هدایت الکتریکی بزرگ‌تر یا مساوی ۳۰ دسی‌زیمنس بر متر در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی (۳۵)، در مقابل هدایت الکتریکی بزرگ‌تر یا مساوی ۱۵ دسی‌زیمنس بر متر در سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی (۲۴)) از منظر مدیریت بهینه‌ی اراضی و آمایش سرزمین، مهم می‌نماید. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر، بررسی میزان کارایی و همبستگی دو سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی و طبقه‌بندی جهانی در ارتباط با گروه‌بندی خاک‌های شور موجود در نقاط مختلف استان کرمان می‌باشد.

مواد و روش‌ها

موقعیت منطقه‌ی مطالعاتی: استان کرمان با مساحت تقریبی ۱۸۶۰۰۰ کیلومتر مربع، حدود ۱۱/۵ درصد از وسعت کشور را در بر گرفته است و پهناورترین استان کشور محسوب می‌گردد. این استان در طیف ارتفاعی ۱۹۰ متر در دشت لوت تا ۴۴۶۵ متر در ارتفاعات هزاره، بین عرض‌های جغرافیایی ۲۵° ۵۵' تا ۳۳° ۰۶' شمالی و طول-های جغرافیایی ۲۶' ۵۳° تا ۲۹' ۵۹° شرقی قرار دارد (شکل ۱). گستردگی استان کرمان باعث شده است که تنوع آب و هوایی آن در

ویژگی‌های خاک استفاده شده است (۲۱)؛ اما میزان همبستگی این سامانه‌ها با یکدیگر و تلاش برای همسان‌سازی آن‌ها، همواره یکی از دغدغه‌های خاک‌شناسان بوده است. رُکا و پازوس (۲۹) با بررسی میزان همخوانی بین دو سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی و طبقه‌بندی جهانی برای خاک‌های آرژانتین، نتیجه گرفتند که همبستگی نسبتاً خوبی بین اسامی خاک در سطح زیرگروه سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی با واحدهای خاک تعریف‌شده در سطح دوم سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی وجود دارد. گراسیموف (۲۱) عقیده دارد که برتری آشکار سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، نسبت به سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، در ارتباط با خاک‌های متأثر از فعالیت‌های انسانی^۱ می‌باشد؛ چراکه در سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی (۲۴)، دو گروه مرجع خاک^۲ آنتروسول^۳ و تکنوسول^۴، در این ارتباط مد نظر قرار گرفته‌اند. البته آمریکایی‌ها نیز با تشکیل کمیته‌ی بین‌المللی خاک‌های انسان‌ساخت^۵، وظیفه‌ی تعریف کلاس‌های جدیدی از خاک را که ویژگی‌های عمده و اصلی آن‌ها تحت تأثیر فعالیت‌های انسانی می‌باشند، بر عهده‌ی این کمیته نهاده‌اند (۳۱) که البته هرچند نتایج بررسی‌های انجام‌شده توسط کمیته‌ی مزبور، موجب پیشنهاد لایه‌ی M (یک لایه‌ی زیرسطحی محدودکننده‌ی رشد ریشه که شامل یک‌سری از مصنوعات بشری مانند آسفالت، بتون، لاستیک و غیره می‌باشد) و پسوند u (که نمایان‌گر حضور مصنوعات بشری در یک افق می‌باشد) در سال‌های اخیر شده است؛ لیکن هنوز، تغییرات مهمی را برای سلسله‌مراتب آخرین کلاس رده‌بندی آمریکایی (۳۵) در پی نداشته است. سکو و همکاران (۳۴) اظهار می‌دارند از آنجایی که سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، تلاش می‌کند تا تمامی انواع خاک‌های موجود در کل جهان را پوشش دهد؛ بنابراین، از تنوع افق بالاتری نسبت به سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی برخوردار است و تأکید بیشتری بر مرفولوژی و تشکیل خاک دارد. تأکید بیشتر این سامانه بر مرفولوژی خاک و تلاش آن در راستای مختصر نمودن استفاده از تجزیه‌های آزمایشگاهی برای طبقه‌بندی خاک‌ها (۲۹)، کاربرد سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی را برای مناطقی که از امکانات نسبتاً کم‌تری برخوردار می‌باشند؛ مناسب‌تر ساخته است. دِکرز و همکاران (۱۷) بیان می‌کنند که در رابطه با خاک‌های حاره-ای^۶، به جز گروه‌های مرجع هیستوسول، ورتی‌سول و آندوسول، برای مابقی گروه‌های مرجع خاک، همبستگی نسبتاً کمی بین دو سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی و طبقه‌بندی جهانی وجود دارد. ایشان دلایلی هم-چون عدم تساوی تعداد سطوح موجود در سلسله‌مراتب سامانه‌های

- 1- Anthropogenic soils
- 2- Reference Soil Group; RSG
- 3- Anthrosols
- 4- Technosols
- 5- International Committee on Anthropogenic Soils; ICOMANTH
- 6- Tropical soils

به نتایج جدول‌های ۲ و ۳، طبقه‌بندی خاک‌های مطالعاتی بر اساس دو سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی و طبقه‌بندی جهانی تعیین گردید (جدول ۴).

همان‌گونه که در جدول ۴ مشاهده می‌شود؛ خاک‌رخ اول، بر مبنای سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، یک خاک شور و گچی محسوب می‌گردد؛ حال آن‌که نام‌گذاری این خاک‌رخ در سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، نه تنها شور (افق سالیک) و گچی بودن (افق ژیسپیک) این خاک را بر همگان آشکار می‌سازد، بلکه ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی بیش‌تری از آن را در اختیار قرار می‌دهد؛ چراکه استفاده از پسوندهای سدیک^۳ و سیلتیک^۴، به‌ترتیب، حضور مقادیر فراوان سدیم و سیلت را در این خاک یادآور می‌گردند (۲۴).

مقایسه‌ی طبقه‌بندی خاک‌رخ دوم در دو سامانه‌ی مزبور، حاکی از قابلیت بهتر سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی در نمایش واقعیت صحرا می‌باشد؛ زیرا وجود افق ناتریک در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی‌متری این خاک (جدول ۳)، هرگز در رده‌بندی آمریکایی تا سطح زیرگروه مد نظر قرار نگرفته است؛ در صورتی که طبقه‌بندی جهانی، حضور توأمان افق‌های کلسیک، سالیک و ناتریک را لحاظ نموده است. در نتیجه، یکی از ضعف‌های موجود در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، عدم توجه به تفکیک جزئی‌تر خاک‌های شور واقع در مناطق خشک می‌باشد. دیکرز و همکاران (۱۷) نیز وسیع و گسترده بودن تعریف برخی از افق‌های مشخصه (مانند افق سالیک) را از جمله دلایل همستگی جزئی و کم دو سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی و طبقه‌بندی جهانی برای چنین مواردی اعلام نموده‌اند. به نظر می‌رسد که اضافه نمودن گروه بزرگ جدید «ناتری سالیدز»^۵ برای زیررده‌ی سالیدز، می‌تواند راه‌گشای این نقیصه باشد. بدیهی است که وجود افق کلسیک نیز در چنین خاک‌هایی (مانند خاک‌رخ دوم)، می‌تواند در سطح زیرگروه و در قالب اضافه نمودن پیشوند کلسیک به گروه بزرگ مربوطه (به‌صورت «کلسیک ناتری سالیدز»^۶)، مد نظر قرار گیرد.

نکته‌ی قابل تأمل دیگر در ارتباط با مقایسه‌ی دو سامانه‌ی طبقه‌بندی مورد بحث برای این خاک‌رخ، نگاه متفاوت این دو سامانه به درجه‌ی اهمیت افق‌های سالیک و ناتریک، و به تبع آن، گروه‌بندی خاک‌ها بر این اساس می‌باشد. سامانه‌ی طبقه‌بندی آمریکایی، درجه‌ی اهمیت بالاتری را برای افق سالیک، نسبت به ناتریک، در نظر گرفته است که این موضوع را به‌راحتی می‌توان از طریق قرارگیری زیررده‌ی «سالیدز» در سطح بالاتری نسبت به زیررده‌ی «آرجیدز»^۷ اثبات نمود (۳۵)؛ حال آن‌که در سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، گروه مرجع سولونتر^۸، سولونتر^۹، از الویت بالاتری نسبت به گروه مرجع سولونچاک^۸ برخوردار

خور توجه باشد؛ به‌طوری که میانگین درازمدت دامنه‌ی تغییرات بارندگی و درجه‌ی حرارت سالیانه‌ی آن در یک دوره‌ی آماری ۲۰ ساله (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸)، به‌ترتیب، ۳۳/۲ تا ۲۳۱/۲ میلی‌متر و ۹/۹ تا ۲۸/۱ درجه‌ی سانتی‌گراد می‌باشند (۲۵). نه تنها تنوع مزبور در آب و هوای استان، کاملاً مشهود است؛ بلکه خاک‌های استان کرمان نیز از تنوع اقلیمی نسبتاً خوبی برخوردار می‌باشند (۱) که جدول ۱، تنوع رژیم‌های رطوبتی و حرارتی خاک‌های استان کرمان را نمایش می‌دهد.

مطالعات صحرائی و آزمایشگاهی

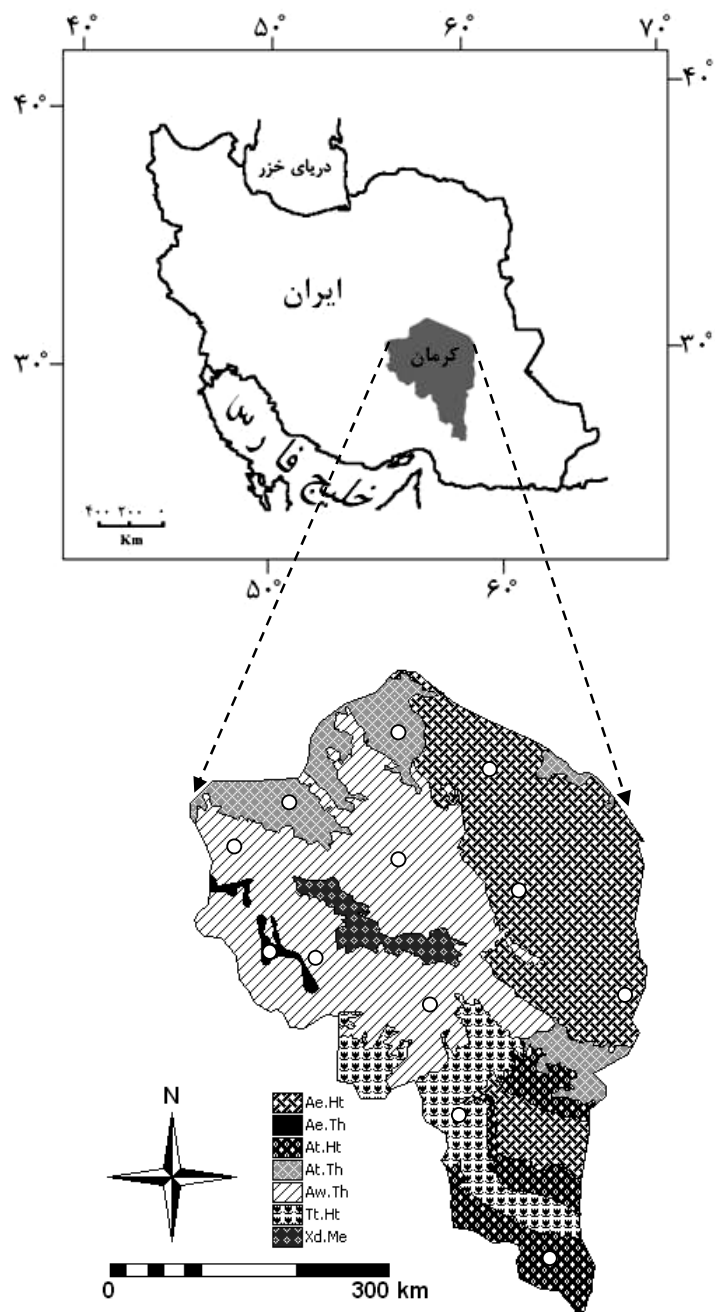
به‌منظور دستیابی به خاک‌های شور، ابتدا با توجه به نقشه‌ی رژیم‌های رطوبتی و حرارتی خاک‌های ایران (۱)، واحدهای اقلیمی خاک استان کرمان، پس از رقوم‌سازی در محیط نرم‌افزاری ایلویس^۱ جداسازی گردیدند (شکل ۱). سپس، در هر واحد اقلیمی، با استفاده از اطلاعات موجود در مطالعات قبلی انجام‌شده در نقاط مختلف استان (۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲ و ۱۳) و نیز با توجه به پیمایش‌های صحرائی انجام‌گرفته در سطح این استان، موقعیت نسبی خاک‌های شور شناسایی شد. از آنجایی که واحد اقلیمی Xd.Me (جدول ۱)، فاقد خاک شور بود؛ بنابراین در این واحد، هیچ‌گونه خاک‌ریخی حفر نگردید. برای مابقی واحدها، بسته به مساحت نسبی آن‌ها (جدول ۱)، اقدام به حفر حداقل یک خاک‌رخ در هر واحد گردید و در مجموع، تعداد ۱۲ خاک‌رخ شور، بر اساس راهنمای تشریح و نمونه‌برداری خاک‌ها در صحرا (۳۳) تشریح شدند. از تمامی افق‌های ژنتیکی این خاک‌رخ‌ها نمونه‌برداری انجام گرفت و پس از هواخشک نمودن نمونه‌های برداشت‌شده و عبور آن‌ها از الک دو میلی‌متری، درصد ذرات درشت آن‌ها به روش حجمی محاسبه گردید و pH گل اشباع با استفاده از pH متر چنوی^۲ مدل ۳۵۱۰، قابلیت هدایت الکتریکی عصاره‌ی اشباع با استفاده از هدایت‌سنج چنوی مدل ۴۵۱۰، بافت خاک‌ها به روش هیدرومتری (۲۰)، میزان کل کربنات‌ها به روش تیتراسیون برگشتی (۲۶)، گچ به روش ترسیب با استون (۲۷) و درصد ماده‌ی آلی به روش واکلی-بلاک (۲۸) اندازه‌گیری شدند. در نهایت، رده‌بندی خاک‌رخ‌ها بر اساس نتایج آزمایشگاهی و مطابق با کلید رده‌بندی آمریکایی خاک (۳۵) (تا سطح زیرگروه) و سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی (۲۴)، نهایی گردید.

نتایج و بحث

جدول ۲ نشان‌گر برخی از خصوصیات مرفولوژیکی خاک‌رخ‌های مورد مطالعه می‌باشد. نتایج حاصل از اندازه‌گیری برخی از خصوصیات فیزیکی و شیمیایی این خاک‌رخ‌ها در جدول ۳ آورده شده‌اند. با توجه

- 3- Sodic
- 4- Silty
- 5- Natrisalids
- 6- Argids
- 7- Solonetz
- 8- Solonchaks

- 1- ILWIS
- 2- Jenway



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی استان کرمان و واحدهای اقلیمی خاک موجود در آن،
به همراه محل خاک‌رخ‌های مطالعه‌شده (دوایر سفید رنگ)
(شرح علامت‌های موجود در راهنمای شکل، در جدول ۱ ارائه شده‌اند)

جدول ۱- میانگین دما و بارش سالانه‌ی واحدهای اقلیمی خاک استان کرمان برای یک دوره‌ی آماری ۲۰ ساله از ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ (۲۵)

ایستگاه هواشناسی تحت پوشش	میانگین بارش سالانه (میلی متر)	میانگین دمای سالانه- ی هوا (درجه‌ی سانتی گراد)	مساحت واحد (کیلومتر مربع)	واحد اقلیمی خاک*
کرمان، سیرجان، بافت، زرنند و شهر بابک	۱۲۵/۹	۱۷/۲	۶۶۷۳۸/۷	Weak Aridic-Thermic (Aw.Th)
بم و شهداد	۳۹/۵	۲۶/۱	۵۸۳۳۳/۵	Extreme Aridic- Hyperthermic (Ae.Ht)
رفسنجان و انار	۸۰/۳	۱۸/۴	۲۰۴۶۴/۶	Typic Aridic-Thermic (At.Th)
جیرفت	۱۶۸/۴	۲۵/۰	۱۸۰۷۹/۶	Typic Tempustic- Hyperthermic (Tt.Ht)
ایرانشهر	۱۰۳/۷	۲۶/۵	۱۵۱۳۴/۸	Typic Aridic-Hyperthermic (At.Ht)
لاله زار	۲۲۰/۱	۹/۹	۵۱۶۱/۹	Dry Xeric-Mesic (Xd.Me)
چاه چنوک	۵۲/۶	۱۸/۲	۱۷۳۸/۰	Extreme Aridic-Thermic (Ae.Th)

*: واحدهای اقلیمی و علامت‌های مورد استفاده برای آن‌ها (داخل پرانتزها)، بر مبنای منبع شماره‌ی (۱) می‌باشند.

جدول ۲- برخی از خصوصیات مرفولوژیکی خاک‌رخ‌های مورد مطالعه*

واحد اقلیمی	شماره خاک‌رخ	افق	عمق (cm)	مرز افقی	رنگ		پایداری		ساختمان	میزان جوشش	پوشش‌ها و یا تجمعات
					خشک	مرطوب	خشک	مرطوب			
Aw.Th	۱	Az	۰-۲۳	AS	7.5YR7/4	7.5YR5/4	so	fr	1fpl	2I	Salt crust
		Bz	۲۳-۶۵	CS	7.5YR6/3	7.5YR4/4	h	fi	1fsbk	2I	c, 1, SAX
		Byz1	۶۵-۹۰	GS	7.5YR7/4	7.5YR4/4	h	fi	2msbk	2I	f, 2, GYX/SAX
		Byz2	۹۰-۱۲۳	AW	7.5YR6/4	7.5YR5/4	h	vfi	m	3I	f, 2, GYX/SAX
		2C	-۱۵۵ ۱۲۳	-	7.5YR8/4	7.5YR4/4	vh	vfi	m	3I	-
	۲	A	۰-۸	AS	10YR6/4	10YR5/4	so	fr	1fgr	3I	-
		Bk	۸-۳۰	CS	10YR6/3	10YR4/4	sh	fr	1fsbk	3I	c, 2, CAC
		Bz	۳۰-۶۰	GS	10YR6/4	10YR4/4	sh	fi	2fsbk	2I	c, 1, SAX
		Btn1	۶۰-۹۰	CS	7.5YR5/4	7.5YR3/4	sh	fi	3mcpr	2I	vf,F,CLF on RF
		Btn2	۹۰-۱۳۵	-	7.5YR6/4	7.5YR5/3	h	fi	2msbk	2I	f, D, CLF on PF
	۳	Az	۰-۳۵	AS	7.5YR7/4	7.5YR4/4	so	vfr	m	1I	Salt crust
		Bz1	۳۵-۷۰	CS	10YR6/4	10YR5/4	sh	vfr	2fsbk	2I	c, 2, SAX
		Bz2	۷۰-۱۰۰	CS	10YR6/4	10YR5/4	so	vfr	2msbk	2I	c, 1, SAX
		Bz3	-۱۴۰ ۱۰۰	-	10YR6/4	10YR5/4	sh	vfr	m	2I	c, 1, SAX
	۴	Az	۰-۲۲	CS	10YR7/4	10YR4/4	sh	fr	1fgr	1I	f, 1, SAX
		Byz1	۲۲-۴۵	CS	7.5YR5/3	7.5YR4/3	sh	fi	2fsbk	1I	c, 2, GYX/SAX
Byz2		۴۵-۷۸	CS	7.5YR6/4	7.5YR5/4	h	fi	2msbk	2I	m, 2, GYX/SAX	
Byz3		۷۸-۱۳۵	-	7.5YR7/4	7.5YR5/4	sh	fi	m	2I	m, 3, GYX/SAX	
Ae.Ht	۵	Az	۰-۲۵	CS	7.5YR5/4	7.5YR4/6	so	vfr	sg	3I	f, 1, SAX
		Bz	۲۵-۶۰	CS	7.5YR6/4	7.5YR4/4	so	vfr	1fsbk	3I	c, 1, SAX

		Byz	۶۰-۱۳۰	AS	7.5YR6/4	7.5YR4/4	so	vfr	2fsbk	2I	f, 2, GYX/SAX
		Byzm	-۱۵۵ ۱۳۰	-	7.5YR6/3	7.5YR6/4	eh	efi	m	2I	c, 2, GYX/SAX
۶		Az	۰-۱۰	CS	7.5YR6/4	7.5YR4/4	sh	fi	m	2I	f, 1, SAX
		Byz1	۱۰-۳۵	GS	7.5YR6/4	7.5YR5/4	sh	fi	1fsbk	1I	c, 2, GYX/SAX
		Byz2	۳۵-۶۰	AW	10YR4/3	10YR3/3	h	vfi	m	1I	c, 2, GYX/SAX
		Byzm	۶۰+	-	10YR7/3	10YR6/4	eh	efi	m	2I	f, 2, GYX/SAX
۷		Az	۰-۸	CS	7.5YR6/3	7.5YR4/4	so	vfr	m	1I	Salt crust
		Bz1	۸-۲۵	CW	7.5YR5/6	7.5YR5/4	sh	vfr	1fsbk	1I	c, 2, SAX
		Bz2	۲۵-۹۰	AW	7.5YR6/3	7.5YR5/4	sh	fr	m	1I	c, 1, SAX
		Bzm	۹۰-۱۴۵	-	7.5YR6/3	7.5YR5/3	eh	vfi	m	2I	m, 3, SAX
۸		Ap	۰-۳۵	CS	10YR6/3	10YR4/3	sh	vfi	1fsbk	2I	-
		Bw	۳۵-۶۰	GS	10YR7/3	10YR5/3	h	fi	1msbk	3I	-
		Bz1	۶۰-۹۰	GS	10YR7/4	10YR5/3	h	fi	2msbk	3I	c, 1, SAX
		Bz2	۹۰-۱۲۰	GS	10YR8/3	10YR5/4	h	fi	3csbk	3I	c, 1, SAX
		C	-۱۵۰ ۱۲۰	-	10YR7/4	10YR5/4	h	vfi	1fsbk	3I	-
		Az	۰-۲۰	AS	7.5YR6/4	7.5YR4/4	sh	fr	1fgr	2I	c, 1, SAX
		Bkz	۲۰-۹۰	AS	7.5YR5/4	7.5YR3/4	sh	fr	3msbk	3I	c, 3, CAC/SAX
		Bym	۹۰-۱۰۴	AS	10YR6/4	10YR4/4	eh	vfi	m	2I	m, 4, GYX
۱۰		Az	۰-۱۲	CS	7.5YR6/3	7.5YR4/3	sh	fi	m	1I	Salt crust
		Bz1	۱۲-۴۵	GS	10YR7/3	10YR5/3	sh	fi	1fsbk	1I	m, 2, SAX
		Bz2	۴۵-۷۳	GW	10YR7/3	10YR4/3	sh	fi	2msbk	2I	m, 2, SAX
		Bzg	۷۳-۱۴۵	-	10YR6/2	10YR4/2	sh	fi	m	2I	c, 1, SAX
۱۱		Az	۰-۱۵	AS	7.5YR4/6	7.5YR3/6	sh	vfr	1fgr	2I	c, 1, SAX
		Byz	۱۵-۴۵	CS	7.5YR8/6	7.5YR5/4	h	fi	2msbk	2I	c, 2, GYX/SAX
		By1	۴۵-۸۵	CS	7.5YR6/6	7.5YR4/3	sh	fi	1msbk	1I	f, 2, GYX
		By2	۸۵-۱۴۵	CS	7.5YR4/6	7.5YR4/4	sh	fi	2fsbk	1I	f, 1, GYX
۱۲		Az	۰-۲۵	CS	10YR7/3	10YR6/3	so	vfr	m	2I	Salt crust
		Byyz	۲۵-۷۲	CS	10YR7/4	10YR6/4	sh	fi	2fsbk	2I	m, 3,GYX/SAX
		Byyzg1	۷۲-۹۸	CW	10YR8/3	10YR6/2	h	fi	2msbk	2I	m, 4,GYX/SAX
		Byyzg2	۹۸-۱۳۸	-	10YR8/4	10YR7/2	so	vfr	2msbk	1I	m, 4,GYX/SAX

*: علامت‌های مورد استفاده، براساس استانداردهای ارائه‌شده در منبع شماره‌ی (۳۳) می‌باشند.

اظهار می‌دارد که سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، با قرار دادن فرایندهایی چون شرایط غرقابی طولانی‌مدت و شدت تغییرات حاصل از فعالیت‌های بشری، در بالاترین سطح خود، درجه‌ی اهمیت بالاتری برای این‌گونه فرایندها در نظر گرفته است؛ در حالی که فرایندهای مزبور، در سطح دوم (زیررده) سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی لحاظ شده‌اند.

رُکا و پاروس (۲۹) نیز به تفاوت جایگاه برخی از خاک‌ها و یا خصوصیات آن‌ها در دو سامانه‌ی مذکور اشاره نموده‌اند. به‌عنوان نمونه، ایشان بیان کرده‌اند که در سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، حق تقدم با وجود مواد خاکی فلوویک^۱ (با یا بدون افق مالیک) می‌باشد؛ در حالی که در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، وجود یک افق مالیک در خاک، از درجه‌ی اهمیت بالاتری برخوردار است. همچنین، دیکرز (۱۶)

جدول ۳- نتایج برخی از خصوصیات فیزیکی و شیمیایی خاک‌رخی‌های مورد مطالعه

واحد اقلیمی	شماره خاک-رخی	افق	عمق (cm)	شن	سیلت	رس	درصد				بافت خاک	واکنش خاک	هدایت الکتریکی (dSm ⁻¹)	نسبت جذب سدیم (meq ^l -1) ^{0.5}
							ذرات درشت (mm) (۲-۷۵)	کربنات کلسیم معادل	گچ	ماده‌ی آلی				
Aw,Th	۱	Az	-۲۳	۱۱	۷۳	۱۶	۹	۳۴	۳	-/۲۱	SiL	۷/۶	۲۸۸/۰	۲۰۶/۶
		Bz	۲۳-۶۵	۱۵	۵۴	۳۱	۴	۳۰	۴	-/۱۲	SiCL	۸/۰	۲۸۵/۰	۲۰۴/۵
		Byz1	۶۵-۹۰	۲۱	۶۸	۱۱	۳	۳۰	۱۲	-/۰.۸	SiL	۸/۴	۲۲۳/۰	۱۶۰/۰
		Byz2	۹۰-۱۲۳	۱۷	۷۰	۱۳	۳	۴۴	۱۴	-/۰.۳	SiL	۸/۴	۱۰۲/۷	۷۳/۶
		2C	۱۲۳-۱۵۵	۳۱	۵۰	۱۹	۷	۴۱	۲	-/۱۰	SiL	۸/۱	۲۵/۳	۱۹/۶
	۲	A	-۸	۱۶	۵۵	۲۹	۶	۲۴	۷	-/۹۵	SiCL	۷/۵	۹/۹	۷/۲
		Bk	۸-۳۰	۳۷	۳۸	۲۵	۴	۲۶	۱۷	-/۴۰	L	۷/۴	۱۵/۱	۷/۵
		Bz	۳۰-۶۰	۶۵	۱۰	۲۵	۸	۱۸	۲۵	-/۲۱	SCL	۷/۵	۳۵/۸	۲۳/۹
		Btn1	۶۰-۹۰	۳۵	۳۴	۳۱	۲	۱۵	۲۴	-/۱۴	CL	۷/۶	۲۶/۵	۲۹/۰
		Btn2	۹۰-۱۲۵	۳۵	۱۸	۴۷	۲	۱۵	۲۳	-/۱۰	C	۷/۶	۲۶/۹	۲۶/۴
	۳	Az	-۳۵	۵۸	۲۴	۱۸	۵	۲۲	۰	-/۱۸	SL	۷/۲	۱۶۸/۱	۱۰۵/۴
		Bz1	۳۵-۷۰	۸۵	۲	۱۳	۵	۲۲	۰	-/۱۲	LS	۷/۶	۷۲/۸	۷۰/۴
Bz2		۷۰-۱۰۰	۸۴	۵	۱۱	۲	۲۱	۰	-/۰.۶	LS	۷/۹	۳۷	۳۵/۷	
۴	Bz3	۱۰۰-۱۴۰	۸۲	۵	۱۳	۳	۲۳	۰	-/۰.۲	SL	۷/۹	۳۲/۴	۳۶	
	Az	-۲۲	۵۲	۴۱	۷	۳	۵	۱۹	-/۲۵	SL	۷/۸	۳۳/۵	۳۸/۹	
	Byz1	۲۲-۴۵	۵۱	۴۳	۶	۲	۱۰	۳۵	-/۱۷	SL	۷/۹	۵۰/۴	۲۵۵/۸	
۵	Byz2	۴۵-۷۸	۷۷	۱۶	۷	۱	۱۰	۴۹	-/۱۳	LS	۷/۶	۶۲/۵	۲۵۵/۰	
	Byz3	۷۸-۱۳۵	۳۳	۵۳	۱۴	۷	۱۹	۳۸	-/۰.۳	SiL	۷/۵	۹۶/۲	۲۵۴/۸	
	Az	-۲۵	۸۷	۶	۷	۱۳	۳۳	۷	-/۱۰	LS	۸/۰	۶۲	۱۰۶/۹	
	Bz	۲۵-۶۰	۷۴	۲۲	۴	۵	۲۵	۳	-/۰.۶	LS	۸/۲	۴۸/۳	۷۶/۱	
Ae,Ht	۶	Byz	۶۰-۱۳۰	۹۱	۲	۷	۵	۲۴	۷	-/۰.۲	S	۸/۳	۵۴/۴	۷۷/۴
		Byzm	۱۳۰-۱۵۵	۶۲	۳۰	۷	۱۵	۵	۱۱	-/۰.۱	SL	۷/۷	۱۳۰/۷	۹۲/۵
		Az	-۱۰	۶۲	۱۲	۲۶	۳۰	۱۲	۰	-/۱۷	SCL	۸/۰	۴۵/۵	۸۵/۰
		Byz1	۱۰-۳۵	۶۸	۱۶	۱۶	۲۰	۶	۶	-/۰.۵	SL	۷/۸	۵۶/۰	۱۲۵/۰
	Byz2	۳۵-۶۰	۷۴	۱۲	۱۴	۲۰	۶	۸	-/۰.۷	SL	۷/۹	۹۵/۰	۱۸۸/۰	
Byzm	۶۰+	-	-	-	-	-	۱۴	-	-	-	-	-		
۷	Az	-۸	۷۵	۱۴	۱۱	۵	۴	۲	-/۱۳	SL	۷/۰	۱۷۵/۲	۳۵۲	
	Bz1	۸-۲۵	۶۷	۲۲	۱۱	۶	۱۴	۳	-/۰.۹	SL	۸/۰	۸۵/۳	۹۳/۲	
	Bz2	۲۵-۹۰	۷۳	۱۴	۱۳	۵	۱۰	۲	-/۰.۴	SL	۷/۸	۴۴/۱	۵۲/۶	
	Bzm	۹۰-۱۴۵	۸۳	۱۵	۲	۸	۱۷	۴	-/۰.۱	LS	۷/۷	۲۴۹/۲	۲۴۳	
Al,Th	۸	Ap	-۳۵	۵۵	۱۸	۲۷	۱۲	۴۲	۰	-/۵۳	SCL	۷/۷	۵/۲	۷
		Bw	۳۵-۶۰	۶۰	۲۲	۱۸	۲	۳۳	۳	-/۰.۹	SL	۷/۵	۲۰/۸	۱۵
		Bz1	۶۰-۹۰	۵۶	۲۷	۱۷	۵	۲۹	۲	-/۰.۶	SL	۷/۶	۳۸/۴	۲۳
		Bz2	۹۰-۱۲۰	۲۸	۵۰	۲۲	۳	۴۲	۲	-/۰.۶	SiL	۷/۶	۳۶/۳	۳۲
		C	۱۲۰-۱۵۰	۵۸	۲۴	۱۸	۱۳	۵۱	۲	-/۰.۳	SL	۷/۵	۱۹/۵	۱۶
۹	Az	-۲۰	۴۶	۲۸	۲۶	۲۴	۱۵	۱۹	-/۲۴	L	۷/۹	۴۵/۵	۱۳۰	
	Bkz	۲۰-۹۰	۶۰	۲۴	۱۶	۱۸	۲۲	۲۷	-/۰.۸	SL	۸/۰	۳۳/۶	۶۸	
	Bym	۹۰-۱۰۴	-	-	-	-	-	۸۵	-	-	-	-	-	
	C	۱۰۴-۱۵۶	۵۶	۳۳	۱۱	۱۱	۱۴	۲۳	-/۰.۱	SL	۸/۳	۱۸/۹	۳۱	
Ti,Ht	۱۰	Az	-۱۲	۶۳	۱۰	۲۷	۱۰	۱۲	۴	-/۴۷	SCL	۸/۹	۳۰۵/۰	۷۰۵/۰
		Bz1	۱۲-۴۵	۷۲	۱۳	۱۵	۴	۱۰	۲	-/۲۳	SL	۸/۵	۱۳۷/۰	۲۸۹/۴
		Bz2	۴۵-۷۳	۵۶	۲۴	۲۰	۲	۱۳	۰	-/۱۱	SL	۸/۶	۱۴۰/۰	۱۶۴/۸
		Bzg	۷۳-۱۴۵	۶۰	۲۳	۱۷	۳	۱۷	۰	-/۰.۶	SL	۸/۸	۳۳/۴	۱۵۲/۷

At.Ht	۱۱	Az	۱۵-۰۰	۵۹	۱۵	۲۶	۱۲	۱۵	۴	۰/۱۳	SCL	۷/۵	۷۱/۳	۸/۷
		Byz	۴۵-۱۵	۶۶	۱۷	۱۷	۶	۸	۱۰	۰/۰۹	SL	۷/۵	۶۸/۱	۱۱/۲
		By1	۸۵-۴۵	۶۱	۲۹	۱۰	۴	۷	۱۴	۰/۰۸	SL	۸/۰	۱۸/۱	۲۹/۲
		By2	۱۴۵-۸۵	۶۴	۱۹	۱۷	۵	۱۵	۶	۰/۰۳	SL	۸/۲	۲۸/۲	۲۳/۵
Ae.Th	۱۲	Az	۲۵-۰۰	۷	۷۴	۱۹	۹	۲۰	۵/۶	۰/۱۰	SiL	۷	۲۲۸	۴۶۸/۲
		Byyz	۷۲-۲۵	۸۵	۱۰	۵	۵	۱۱	۵۴	۰/۰۶	LS	۷/۷	۱۹۷/۴	۱۰۵/۹
		Byyzg1	۹۸-۷۲	۸۳	۹	۸	۸	۱۵	۵۱	۰/۰۷	LS	۷/۵	۱۵۸/۱	۱۲۷/۹
		Byyzg2	۱۳۸-۹۸	۸۲	۱۱	۷	۲	۸	۵۶	۰/۰۱	LS	۷/۷	۱۲۱/۴	۱۱۵/۳

جدول ۴- طبقه‌بندی خاک‌رخی‌های مورد مطالعه بر اساس دو سامانه‌ی مختلف

واحد اقلیمی	شماره‌ی خاک‌رخی	سامانه‌ی طبقه‌بندی	
		رده‌بندی آمریکایی (۲۰۱۰)	طبقه‌بندی جهانی (۲۰۰۷)
Aw.Th	۱	Gypsic Haplosalids	Gypsic Hypersalic Solonchaks (Sodic, Siltic)
	۲	Calcic Haplosalids	Calcic Salic Solonetz
	۳	Typic Haplosalids	Hypersalic Solonchaks (Sodic, Aridic, Endoarenic)
	۴	Gypsic Aquisalids	Gypsic Hypersalic Solonchaks (Sodic, Endoarenic)
Ae.Ht	۵	Gypsic Haplosalids	Gypsic Hypersalic Solonchaks (Sodic, Aridic, Arenic)
	۶	Gypsic Haplosalids	Gypsic Hypersalic Petrosalic Solonchaks (Sodic, Aridic)
	۷	Typic Aquisalids	Hypersalic Petrosalic Solonchaks (Sodic, Aridic)
At.Th	۸	Typic Haplosalids	Endosalic Cambisols (Calcaric, Endosodic, Hypereutric)
	۹	Petrogypsic Haplosalids	Calcic Hypersalic Solonchaks (Sodic)
Tt.Ht	۱۰	Aeric Halaquepts	Puffic Hypersalic Solonchaks (Sodic, Aridic)
At.Ht	۱۱	Gypsic Haplosalids	Gypsic Hypersalic Solonchaks (Endosodic, Aridic)
Ae.Th	۱۲	Gypsic Aquisalids	Gypsic Puffic Hypersalic Solonchaks (Sodic, Aridic, Endoarenic)

این سامانه در بیان هر چه بهتر تفسیرهای مدیریتی خاک برشمرده‌اند. از مزایای دیگر سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، تفکیک افق پتروسالیک^۵، به‌عنوان یکی از واقعیت‌های موجود در خاک‌های مناطق خشک و بسیار خشک (واحد اقلیمی Ae.Ht جدول ۴) است. حضور این افق در خاک‌رخی‌های ششم و هفتم، حاکی از وجود لایه‌ای به ضخامت حداقل ۱۰ سانتی‌متر در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی‌متری سطح خاک می‌باشد که به‌واسطه‌ی وجود املاح محلول‌تر از گچ، سخت و سیمانی شده است (۲۴). چنین افقی، تا کنون در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی جایگاهی نداشته است. هم‌چنین، در خاک‌رخی ششم، سیمانی‌شدن خاک در عمق‌های بیش‌تر از ۶۰ سانتی‌متر، در اثر حضور توأمان گچ و املاح محلول‌تر از آن صورت گرفته است (جدول‌های ۲ و ۳)؛ لیکن به‌دلیل وجود تنها ۱۴ درصد گچ در این اعماق (جدول ۳)، بر اساس تعریف جدید افق پتروژیسیک در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی (۳۵)، این لایه، فاقد شرایط لازم برای پتروژیسیک شدن می‌باشد. این در حالی است که بر مبنای سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، لایه‌ی مزبور، علاوه‌بر دارا بودن شرایط افق پتروسالیک، یک افق پتروژیسیک نیز محسوب می‌شود. بنابراین، اضافه نمودن پیشوند

حضور تنها افق سالیک در خاک‌رخی سوم (جدول ۳)، نام «تیبیک هاپلوسالیدز» را برای این خاک در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی به ارمغان آورده است. طبقه‌بندی جهانی نیز به این مسأله به‌درستی اشاره نموده است (جدول ۴)؛ لیکن سامانه‌ی اخیر، کماکان برتری نسبی خود را حفظ کرده است؛ چراکه توجه به مقدار کم ماده‌ی آلی، حضور رسوبات بادی، رنگ روشن و درصد اشباع بازی بالا در افق سطحی این خاک، با توجه به پسوند اریدیک؛ و هم‌چنین حضور مقادیر بالای شوری و سدیمی بودن این خاک، از طریق توجه به پیشوند و پسوند مربوطه (همانند خاک‌رخی اول)، به خوبی نمایان می‌باشد. افزون بر این موضوع، پسوند «اندوارنیک»^۱ نیز بر وجود بافت درشت خاک در عمق ۵۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متری این خاک‌رخی دلالت دارد (جدول ۳). مشابه این موضوع، در اسامی خاک‌رخی‌های پنجم و دوازدهم قابل ملاحظه است (جدول ۴). دِکِر و همکاران (۱۷) توجه به عمق قرارگیری برخی از عوارض و خصوصیات خاک در سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی را با استفاده از مشخص‌کننده‌هایی^۲ نظیر «پی-»^۳ و «اندو-»^۴، از محاسن

- 1- Endoarenic
- 2- Specifiers
- 3- Epi-
- 4- Endo-

5- Petrosalic horizon

جدید «پتروژپسیک» یا ایجاد پیشوند جدید «پتروژپسالیک»^۱ (به معنای همراه شدن دو افق پتروژپسیک و پتروسالیک در یک لایه‌ی مشخص در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی‌متری خاک) برای گروه مرجع سولونچاک، خالی از لطف نمی‌باشد.

قضیه در ارتباط با نام‌گذاری خاک‌رخ دهم، اندکی متفاوت با دیگر خاک‌رخ‌ها می‌باشد؛ زیرا وجود رژیم رطوبتی یوستیک^۲ برای واحد اقلیمی این خاک (جدول ۱)، تغییر رده‌ی آن از اریدی‌سول به اینسپتی‌سول را در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی به‌همراه داشته است. نظر به این‌که سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، اعتقاد به عدم استفاده از عوامل اقلیمی در نام‌گذاری خاک‌ها دارد و استفاده از این‌گونه ویژگی‌ها را تنها برای تفسیر خاک‌ها مناسب می‌داند (۲۴)؛ در نتیجه، تغییر شرایط اقلیمی خاک، تأثیری در روند طبقه‌بندی خاک‌ها بر اساس این سامانه ایجاد نموده است. بر مبنای سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی (۳۵)، بالا بودن نسبت جذب سدیم^۳ خاک‌رخ دهم در فاصله‌ی ۵۰ سانتی‌متری سطح خاک و کاهش مقدار آن با افزایش عمق (جدول ۳) و نیز بالا آمدن سطح سفره‌ی آب زیرزمینی در برخی از مواقع سال (بازدیدهای صحرایی انجام‌شده)، باعث گردیده است که این خاک در زبردده‌ی «اکوئیت» قرار گیرد. به‌علاوه، شور بودن لایه‌های مختلف خاک‌رخ مزبور (جدول ۳) و وجود کرومای ۳ در فاصله‌ی ۷۰ سانتی‌متری بالای این خاک‌رخ (جدول ۲)، زیرگروه «اریک‌هال‌اکوئیت»^۴ را برای آن رقم زده است. هرچند که سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی در توصیف این خاک، به یکی از ویژگی‌های فیزیکی خاک (رنگ)، توجهی بیش‌تری معطوف نموده است؛ لیکن سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، از دریچه‌ای دیگر، ویژگی‌های چنین خاک‌رخ‌ی را مد نظر قرار داده است و آن، استفاده از پیشوند «پافیک»^۵ (به معنای وجود اراضی با سطح پُف‌کرده^۶) می‌باشد. به دیگر سخن، سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، یک ویژگی درونی (عمقی) خاک را در طبقه‌بندی خود لحاظ نموده است؛ حال آن‌که سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، به ویژگی‌های سطحی (جانبی) خاک نیز توجه داشته است. با توجه به این‌که پفکی بودن سطح اراضی یک منطقه، نماد آشکاری از واقعیت درون آن، مبنی بر شور بودن خاک می‌باشد؛ توجه به ویژگی‌های سطح اراضی در نام‌گذاری خاک‌ها و ارتباط مکانی آن‌ها بر روی سیمای اراضی، از مزایای نسبی این سامانه تلقی می‌گردد. چنین مزیتی را در توصیف خاک‌رخ دوازدهم نیز می‌توان شاهد بود. دوشافور (۱۸) نیز اعتقاد دارد که سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، تلاش می‌کند تا طیف

وسیع‌تر و کامل‌تری از امتداد خاک^۷ ارائه نماید. با این وجود، پرسشی که ممکن است به ذهن متبادر گردد، این است که آیا اساساً سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی نسبت به سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، از برتری خاصی در راستای گروه‌بندی خاک‌های شور برخوردار می‌باشد؟! پاسخ را باید در واحدهای اقلیمی خاک Aw.Th (خاک‌رخ چهارم)، Ae.Ht (خاک‌رخ هفتم)، At.Th (خاک‌رخ‌های هشتم و نهم) و Ae.Th (خاک‌رخ دوازدهم) جست‌وجو نمود. بر اساس اطلاعات اقلیمی مربوط به خاک‌رخ چهارم (داده‌ها نمایش داده نشده‌اند) و درک این نکته که خاک‌رخ مزبور در یک یا چند افق موجود در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی‌متری سطح خاک، در طول سال‌های نرمال، برای حداقل یک ماه، اشباع از آب می‌گردد؛ می‌توان گروه بزرگ «اکوئیسالیدز» را به منظور طبقه‌بندی این خاک بر مبنای سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی انتخاب نمود. هرچند که سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی نیز استفاده از پیشوندهای «گلیک»^۸ و «استگنیک»^۹ را برای توصیف هر چه بهتر شرایط رطوبتی موجود در خاک‌های سولونچاک در نظر گرفته است؛ لیکن استفاده از این‌گونه پیشوندها مستلزم دارا بودن شرایط احیایی^{۱۰} و مشاهده‌ی الگوهای رنگی مربوط به این شرایط می‌باشد (۲۴). در نتیجه، به نظر می‌رسد که سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، شرایط اشباع خاک را صرف‌نظر از وجود یا عدم وجود شرایط احیایی آن، بهتر مد نظر قرار داده است. بنابراین، هماهنگی بیش‌تر دو سامانه‌ی مورد مطالعه، در گرو اضافه نمودن پیشوند «اکوئیک»^{۱۱} برای سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، به‌منظور نمایش واقعیت موجود در خاک‌رخ‌های شور (مانند خاک‌رخ چهارم) می‌باشد. این مطلب، در رابطه با خاک‌رخ‌های هفتم و دوازدهم نیز صدق می‌کند. رُکا و پازوس (۲۹) اعتقاد دارند که در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، بسیاری از اسامی خاک‌ها، منعکس‌کننده‌ی افزایش مقدار رطوبت حاصل از نوسانات سطح ایستایی در افق‌های مختلف خاک‌رخ‌ها می‌باشند. سکو و همکاران (۳۴) نیز یکی از کاستی‌های سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی را عدم وجود توصیف‌کننده‌ی «پلانیک»^{۱۲} برای گروه مرجع «استگنوسول»^{۱۳} بر می‌شمرند.

شروع افق سالیک در زیر عمق ۵۰ سانتی‌متری برای خاک‌رخ هشتم (جدول‌های ۲ و ۳)، سبب شده است که این خاک بر اساس سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی (۲۴)، جزو گروه مرجع سولونچاک قرار نگیرد و در نتیجه، گروه مرجع کمی‌سول^{۱۴}، بهترین جایگاه برای آن

- 7- Soil continuum
- 8- Gleyic
- 9- Stagnic
- 10- Reducing conditions
- 11- Aquic
- 12- Planic
- 13- Stagnosol
- 14- Cambisols

- 1- Petrogypsalic
- 2- Ustic
- 3- Sodium Adsorption Ratio; SAR
- 4- Aeric Halaquepts
- 5- Puffic
- 6- Puffy ground

مقادیر بالای گچ (۵۰ درصد حجمی یا بیش‌تر) در نام‌گذاری افق‌های اصلی (ژنتیکی) خاک، با کاربرد پسوند جدید yy (۳۵) می‌باشد (خاک-رخ دوازدهم، جدول ۳). این موضوع، هرچند که واقعیت صحرائی منطقه را بیش‌تر و بهتر نشان می‌دهد؛ لیکن تأثیری در رده‌بندی خاک تا سطح زیرگروه نداشته است. در مقابل، سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، همواره تلاش نموده است تا با به‌کارگیری مشخص‌کننده‌هایی چون «هایپر-»^۴ و «هایپو-»^۵، بیان بهتری از توصیف‌کننده‌ها ارائه نماید. دکرز (۱۶) توجه‌ی سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی به بیان شدت برخی از عوارض و خصوصیات خاک با استفاده از چنین پیش‌واژه‌هایی را برای تفسیرهای مدیریتی خاک مهم می‌داند. در همین راستا، سامانه‌ی اخیر، استفاده از پیشوند «هایپرژیسپیک» (به معنای وجود افق ژیسپیک با مقدار ۵۰ درصد یا بیش‌تر گچ در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی-متری سطح خاک) را تنها برای گروه مرجع «ژیسپیک-سول» پیشنهاد نموده است (۲۴). تومانیان و همکاران (۳۶)، یکی از محاسن سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی را همین توجه به میزان تجمع گچ در افق‌های ژیسپیک معرفی نموده‌اند. در هر حال، کاربرد چنین پیشوندی برای خاک‌های سولونچاک (مانند خاک‌رخ دوازدهم) نیز ضروری می‌نماید.

به‌طور کلی، بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، هم‌بستگی نسبتاً خوبی بین اسامی خاک در سطح زیرگروه سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی با واحدهای خاک تعریف‌شده در سطح دوم سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی وجود داشت. هرچند که این هم‌بستگی در پژوهش‌های دیگر نیز گزارش گردیده است (۲۹ و ۳۰)؛ لیکن به‌کارگیری سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی برای گروه‌بندی خاک‌های شور موجود در مناطق خشک و بی‌سارخ‌شک (مانند بخشی از استان کرمان)، به‌دلیل استفاده از توصیف‌کننده‌های مختلف و انعطاف‌پذیری بالاتر در انعکاس خصوصیات مؤثر در نام‌گذاری خاک‌ها، بهتر می‌تواند واقعیات صحرا را هم از نظر تغییرپذیری عمودی خاک و هم از دیدگاه تغییرات افقی آن، به نمایش گذارد. رُکا و پازوس (۲۹) نیز اظهار داشته‌اند که هم‌بستگی نسبتاً خوبی بین این دو سامانه برای گروه‌بندی خاک‌های منطقه‌ای^۱ و درون منطقه‌ای^۲ وجود دارد؛ اما در مورد خاک‌های غیرمنطقه‌ای^۳، درجات اهمیت متفاوتی را برای فرایندهای خاک‌سازی (به‌ویژه فرایندهایی که منجر به تجمع مواد آلی در خاک می‌شوند) در هر دو سامانه می‌توان شاهد بود.

از طرفی، با توجه به نتایج پژوهش حاضر، سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی می‌تواند با بهره‌گیری از اطلاعات آزمایشگاهی کم‌تری نسبت به سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، برای نقشه‌برداری خاک استفاده شود؛ زیرا تعیین فامیل و سری خاک، نیازمند صرف هزینه‌های بیش‌تر می‌باشد. به‌علاوه، تدوین‌کنندگان سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، کاربرد این

می‌باشد. هرچند استفاده از پیشوند «اندوسالیک»^۱ برای توصیف این خاک (جدول ۴)، عمق قرارگیری افق سالیک (۵۰ تا ۱۰۰ سانتی‌متری سطح خاک) را به کاربران گوشزد می‌کند (۲۴)؛ اما به‌دلیل اهمیت شوری خاک در مواردی چون رشد گیاه، اصول مهندسی خاک، مسایل زیست‌محیطی و غیره، پرداختن به این ویژگی در سطوح بالاتر سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، می‌تواند برای استفاده‌کنندگان از این سامانه سودمندتر باشد. این نکته، در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، به خوبی مورد توجه قرار گرفته است؛ چراکه زیررده‌ی سالیدز، از الویت بالاتری نسبت به بسیاری دیگر از زیررده‌های خاک‌های اریدی‌سول برخوردار می‌باشد (۳۵). بر طرف نمودن کاستی مذکور در سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، با تعبیر بند اول تعریف خاک‌های سولونچاک (۲۴)، به‌صورت «وجود افق سالیکی که در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی‌متری سطح خاک شروع می‌گردد»، امکان‌پذیر می‌باشد. از طرفی، عمق قرارگیری افق سالیک را می‌توان با افزودن دو واژه‌ی «اپی‌سالیک»^۲ و «اندوسالیک» در مجموعه‌ی توصیف‌کننده‌های پیشوندی گروه مرجع سولونچاک مشخص نمود تا به سودمندی و کارایی بیش‌تر این سامانه کمک نماید.

داستان خاک‌رخ نهم، به‌عنوان یکی دیگر از خاک‌رخ‌های موجود در واحد اقلیمی At.Th، قدری جالب‌تر از خاک‌رخ هشتم است. در این خاک‌رخ، سه افق کلسیک، سالیک و پتروژیسپیک در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی‌متری سطح خاک مشاهده می‌گردند (جدول‌های ۲ و ۳)؛ ولی هر یک از دو سامانه‌ی مورد استفاده، در نام‌گذاری صحیح این خاک به نوعی ناتوان می‌باشند. براساس سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی (۳۵)، خاک مزبور در زیرگروه «پتروژیسپیک هاپلوسالیدز» قرار می‌گیرد. چنان‌که مشاهده می‌گردد؛ وجود افق کلسیک، هرگز تا سطح زیرگروه، مطرح نگردیده است. بنابراین، اضافه نمودن گروه بزرگ جدید «پتروسالیدز»^۳ و زیرگروه جدید «کلسیک پتروسالیدز» در رابطه با توصیف چنین خاک‌هایی پیشنهاد می‌گردد. از طرفی، برخلاف اهمیت بیش‌تر افق پتروژیسپیک در رابطه با اهداف مختلف مدیریتی و توجه-ی سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی به این موضوع (به‌دلیل قرارگیری زیررده‌ی ژیسپیدز در سطح بالاتری نسبت به کلسیدز)؛ لیکن سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، علی‌رغم مد نظر قرار دادن افق کلسیک، وجود افق پتروژیسپیک را در مجموعه‌ی توصیف‌کننده‌های ارائه‌شده برای گروه مرجع سولونچاک، نادیده گرفته است. در نتیجه، اضافه نمودن پیشوند «پتروژیسپیک» (به معنای وجود افق پتروژیسپیک) که در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی‌متری سطح خاک آغاز می‌شود، برای گروه مرجع سولونچاک پیشنهاد می‌گردد.

نکته‌ی آخر در ارتباط با سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، اشاره به

- 1- Endosalic
- 2- Episalic
- 3- Petrosalids

- 4- Hyper-
- 5- Hypo-

بنابراین، این سامانه می‌تواند از کارایی بالاتری برای توصیف، تشریح و کلاس‌بندی پیچیدگی‌های مبهم و فازی^۴ سیماهای طبیعی خاک برخوردار باشد.

۳- افزودن پیشنهادهایی نظیر «پتروژئوسیک»، «هایپروژئوسیک»، «پی‌سالیک»، «اندوسالیک» و «اکوییک» در مجموعه‌ی توصیف-کننده‌های پیشوندی گروه مرجع سولونچاک، سودمندی و کارایی بیش‌تر سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی را در پی خواهد داشت.

۴- یکی از ضعف‌های موجود در سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، عدم توجه به تفکیک جزئی‌تر خاک‌های شور واقع در مناطق خشک و بسیار خشک تا سطح زیرگروه می‌باشد. حقایقی چون حضور توأمان افق‌های کلسیک، سالیک و ناتریک در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی‌متری سطح یک خاک، می‌تواند پیشنهاد زیرگروه جدید «کلسیک ناتری-سالیدز» را برای این سامانه به‌همراه داشته باشد. همچنین، اضافه نمودن زیرگروه جدید «کلسیک پتروسالیدز» برای خاک‌هایی که دارای سه افق کلسیک، سالیک و پتروژئوسیک در فاصله‌ی ۱۰۰ سانتی‌متری سطح خاک هستند، ضروری می‌نماید.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از حوزه‌ی پژوهشی دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان که حمایت مالی این پروژه را به عهده داشتند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

سامانه را برای مقیاس‌های مطالعاتی بزرگ‌تر از ۱:۲۵۰۰۰۰، توصیه نمی‌کنند و به جای آن، استفاده از سامانه‌های طبقه‌بندی خاک ملی یا محلی را به‌منظور دریافت اطلاعات دقیق‌تر و جزئی‌تر از تغییرپذیری خاک پیشنهاد می‌نمایند (۲۴). در هر حال، عدم وجود یک سامانه‌ی طبقه‌بندی خاک ملی برای ایران از یک سو و نگاه صحیح‌تر و دقیق‌تر سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی به خاک‌های مناطق خشک از سوی دیگر، تفکر استفاده‌ی بیش‌تر از سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، نسبت به سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی را در ذهن قوت می‌بخشد.

نتیجه‌گیری

۱- اسامی خاک‌ها در سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، نسبت به سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی، اطلاعات بیش‌تری در مورد ویژگی‌ها و خصوصیات درونی خاک‌های شور، در دسترس قرار می‌دهند. به‌علاوه، سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، قادر به نمایش ویژگی‌های سطحی بیش‌تری از این خاک‌ها (مانند وجود یا عدم وجود فرسایش خاک و یا پُف-کردگی سطح اراضی به‌واسطه‌ی رشد بلورهای نمک)، نسبت به سامانه‌ی رده‌بندی آمریکایی است.

۲- هرچند سامانه‌ی طبقه‌بندی جهانی، از دو سطح مختلف در ساختار خود بهره می‌گیرد؛ اما به‌دلیل انعطاف‌پذیری در استفاده از توصیف‌کننده‌های مختلف، در اغلب اوقات، به یک سطح قابل قبول از صحت طبقه‌بندی خاک‌های شور در مناطق خشک دست می‌یابد.

منابع

- ۱- بنایی م.ح. ۱۳۷۷. نقشه‌ی رژیم رطوبتی و حرارتی خاک‌های ایران. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی. مؤسسه‌ی تحقیقات خاک و آب کشور.
- ۲- حسینی موحد س. ۱۳۸۹. نقش کمبودهای زیست‌اقليمی در ارزیابی کمی تناسب اراضی برای پسته با استفاده از مدل میکرولیز در منطقه‌ی کوثرریز رفسنجان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خاک‌شناسی. دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه ولی‌عصر (عج) رفسنجان. ۱۰۴ صفحه.
- ۳- حسینی فرد ج. ۱۳۸۸. تغییر و تحولات کانی‌شناسی و شیمیایی برخی کانی‌های پتاسیم‌دار در محیط ریشه‌ی پسته و گندم. پایان‌نامه‌ی دکترای تخصصی خاک‌شناسی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان. ۱۹۸ صفحه.
- ۴- زین‌الدینی میمند ع. ۱۳۷۸. گزارش مطالعات خاک‌شناسی اجمالی از دشت نوق رفسنجان (استان کرمان). نشریه‌ی شماره‌ی ۱۰۵۷. مؤسسه‌ی تحقیقات خاک و آب کشور.
- ۵- سنجرى بنستانی ص. ۱۳۸۹. بررسی تأثیر پستی و بلندی بر تشکیل، طبقه‌بندی و کانی‌شناسی رسی خاک‌های منطقه‌ی جیرفت. پایان-نامه‌ی کارشناسی ارشد خاک‌شناسی. دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان. ۱۲۸ صفحه.
- ۶- کشمیری ف.، و مسیح‌آبادی م.ح. ۱۳۷۴. خصوصیات خاک‌ها و اراضی در مناطق چاه دادخدا، اردوگاه هجرت، تکل حسن و میان‌دران (کهنوچ- جیرفت). نشریه‌ی شماره‌ی ۹۵۵. مؤسسه‌ی تحقیقات خاک و آب کشور.

- 1- Zonal soils
- 2- Intrazonal soils
- 3- Azonal soils
- 4- Fuzzy complexity

- ۷- مسیح‌آبادی م.ح. ۱۳۶۵. گزارش مطالعات خاک‌شناسی تفصیلی رودبار کهنوج. نشریه‌ی شماره‌ی ۷۲۶. مؤسسه‌ی تحقیقات خاک و آب کشور.
- ۸- مسیح‌آبادی م.ح. ۱۳۶۶. گزارش مطالعات خاک‌شناسی اجمالی قسمتی از دشت جازموربان. نشریه‌ی شماره‌ی ۷۵۵. مؤسسه‌ی تحقیقات خاک و آب کشور.
- ۹- مسیح‌آبادی م.ح. ۱۳۷۲. گزارش مطالعات اجمالی خاک‌شناسی و طبقه‌بندی اراضی قسمتی از لوت زنگی‌احمد- بم (کرمان). نشریه‌ی شماره‌ی ۹۲۴. مؤسسه‌ی تحقیقات خاک و آب کشور.
- ۱۰- معادالهی م. ۱۳۸۸. مطالعه‌ی نحوه‌ی تشکیل و تکامل خاک‌ها در یک ردیف پستی و بلندی- اقلیمی در منطقه‌ی لاله‌زار- کرمان. پایان- نامه‌ی کارشناسی ارشد خاک‌شناسی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان. ۱۲۸ صفحه.
- ۱۱- ندیمی م. ۱۳۸۸. مطالعه‌ی نحوه‌ی تشکیل و طبقه‌بندی خاک‌های واقع در منطقه‌ی ماهان- جوپار (استان کرمان). پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خاک‌شناسی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان. ۱۲۱ صفحه.
- ۱۲- نورایی ک. ۱۳۸۸. نحوه‌ی تشکیل و رده‌بندی خاک‌های ردیف پستی و بلندی سیرج-کاله‌شور در حوزه‌ی لوت. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خاک‌شناسی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان. ۱۷۱ صفحه.
- ۱۳- نیستانی م. ۱۳۸۹. بررسی نحوه‌ی تشکیل و طبقه‌بندی خاک در برش طولی بردسیر- شهر بابک. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خاک- شناسی، دانشکده‌ی کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان. ۱۵۷ صفحه.
- 14- Buol S.W. 2003. Soil Genesis and Classification (5th ed.). Iowa State University Press, Amesterdam.
- 15- Cline M.G. 1949. Basic principles of soil classification. Soil Science, 67 (2): 81-91.
- 16- Deckers J. 2000. Letter to the Editor on World Reference Base for Soil Resources (WRB), IUSS Endorsement, World-Wide Testing, and Validation. Soil Science Society of America Journal, 64: 2187.
- 17- Deckers J., Driessen P., Nachtergaele F.O.F., Spaargaren O., and Berding F. 2003. Anticipated Developments of the World Reference Base for Soil Resources. In: Eswaran H., Rice T., Ahrens R. and Stewart B.A. (Eds.). Soil Classification: A Global Desk Reference. CRC Press, Boca Raton, FL.
- 18- Duchaufour P. 2001. Introduction to Soil Science: Soil, Vegetation and Environment. 6th edition of 14 abbreviated to pedology. Dunot, Paris, 331 pp.
- 19- Eswaran H., Rice T., Ahrens R., and Stewart B.A. (Eds.). 2002. Soil Classification: A Global Desk Reference. CRC Press, Boca Raton, FL.
- 20- Gee G.W., and Bauder J.W. 1986. Particle size analysis, In: Klute A. (Ed.). Methods of Soil Analysis, Part 1, Am. Soc. Agron. Inc., Madison, WI. USA. pp. 383-411.
- 21- Gerasimova M.I. 2010. Chinese soil taxonomy: between the American and the international classification systems. Eurasian Soil Science, 43: 945-949.
- 22- Hudson B.D. 1990. Concepts of soil mapping and interpretation. Soil Survey Horizons, 31: 63-73.
- 23- I.T.C. 2009. ILWIS 3.7 for windows. The Netherlands.
- 24- IUSS Working Group WRB. 2007. World Reference Base for Soil Resources 2006, first update 2007. World Soil Resources Reports No. 103. FAO, Rome.
- 25- Kerman Meteorological Administration. <http://www.weather.kr.ir>
- 26- Loeppert R.H., and Suarez D.L. 1996. Carbonate and gypsum, In: Sparks D.L. (Ed.). Methods of Soil Analysis, Part 3, Am. Soc. Agron. Inc., Madison, WI. USA. pp. 437-474.
- 27- Nelson R.E. 1982. Carbonate and gypsum. In: Page A.L. (Ed.). Methods of Soil Analysis. Part II, (2nd ed.), Agron. Monogar., ASA and SSSA, Madison, WI. pp. 181-196.
- 28- Nelson D.W., and Sommers L.E. 1996. Total carbon, organic carbon, and organic matter, In: Sparks D.L. (Ed.). Methods of Soil Analysis, Part 3, Am. Soc. Agron. Inc., Madison, WI. USA. pp. 961-1010.
- 29- Roca P.N., and Pazos M.S. 2002. The WRB applied to Argentinian soils: two case studies. European Soil Bureau, Research Report NO. 7. Latvia University of Agriculture, Jelgava, Latvia. pp. 191-197.
- 30- Rossiter D.G. 2001. Principles of Soil Classification. Lecture notes. International Institute for Aerospace Survey and Earth Sciences (ITC), Enschede, the Netherlands.
- 31- Rossiter D.G. 2007. Classification of urban and industrial soils in the world reference base for soil resources. Journal of Soils Sediments, 1: 1-5.
- 32- Schlichting E. 1986. Introduction to soil science. Paul Parey, Hamburg and Berlin, Germany (in German).
- 33- Schoeneberger P.J., Wysocki D.A., Benham E.C., and Broderson W.D. (Eds.). 2002. Field book for describing and sampling soils, 2nd Version. Natural Resources Conservation Service, National Soil Survey Center, Lincoln, NE.

- 34- Secu C.V., Patriche C., and Vasiliniuc I. 2008. Aspects regarding the correlation of the Romanian soil taxonomy system (2003) with WRB (2006). *Ґрунтознавство*, 9: 56-62.
- 35- Soil Survey Staff. 2010. *Keys to Soil Taxonomy* (11th ed.). NRCS, USDA, USA.
- 36- Toomanian N., Jalalian A., and Karimian Eghbal M. 2003. Application of the WRB (FAO) and US Taxonomy systems to gypsiferous soils in Northwest Isfahan, Iran. *Journal of Agricultural Science Technology*, 5: 51-66.



Comparison Between Soil Taxonomy and WRB for Classifying Saline Soils of Kerman Province

I. Esfandiarpour Boroujeni^{1*} - M.H. Farpoor² - A. Kamali³

Received:29-12-2010

Accepted:29-6-2011

Abstract

Soil classification is a simple tool which is useful to improve human knowledge and to transfer the experience and technology obtained from landscape. The objective of the present research is to compare the efficiency of Soil Taxonomy and WRB in saline soils of different areas in Kerman province. Soil climatic units of the province were separated and based on the area covered by each climatic unit, several pedons were studied. Finally, 12 saline pedons were selected. Results showed that WRB can better express field conditions from both horizontal and vertical dimensions for classification of saline soils of arid areas due to various qualifiers used and more flexibility of this system in reflecting effective properties in soil nomenclature. Besides, adding new "Calcic Natrisalids" and "Calcic Petrosalids" subgroups to Soil Taxonomy from one hand, and "Petrogypsic", "Hypergypsic", "Episalic", "Endosalic", and "Aquic" qualifiers to prefix qualifiers of Solonchaks reference group of WRB from the other hand, can better correlate subgroups of Soil Taxonomy with second level classes of WRB.

Keywords: Soil Taxonomy, WRB, Saline soils, Soil correlation, Kerman province

1,3- Assistant Professors, Department of Soil Science, Faculty of Agriculture, Vali-e-Asr University of Rafsanjan (*-Corresponding Author Email: iesfandiarpour@yahoo.com)

2- Associate Professor, Department of Soil Science, Faculty of Agriculture., Shahid Bahonar University, Kerman